

مروری بر حیات ادبی و شرح احوال و اشعار بیضای جوقنقانی

مجید رحیمی جوقنقانی^۱

مسعود فروزنده^۲

چکیده

پژوهش حاضر با موضوع مروری بر حیات ادبی، شرح احوال و اشعار بیضای جوقنقانی، شاعر عصر قاجار، با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش، معرفی زندگی، آثار و جایگاه ادبی بیضای جوقنقانی و بررسی ویژگی‌های شعری او در چارچوب جریان بازگشت ادبی است. میرزا محمدقاسم خان بیضا در سال ۱۲۵۰ هجری قمری در جوقنقان دیده به جهان گشود. وی در منابع ادبی با نام‌های بیضای جوقنقانی، بیضای چهارمحالی و بیضای اصفهانی شناخته می‌شود و تخلص او در بیشتر غزل‌ها «بیضا» است. دیوان اشعار وی مشتمل بر قصاید و غزلهاست و در قالب‌هایی چون مثنوی و رباعی نیز اشعاری از او بر جای مانده است. بررسی اشعار بیضا نشان می‌دهد که وی از شاعران وابسته به مکتب بازگشت ادبی و پرورش‌یافته مکتب اصفهان در عصر قاجار بوده است. او در غزل‌سرایی از حافظ، سعدی و فروغی بسطامی و در قصیده‌سرایی از شاعرانی چون سنایی، معزی، خاقانی و قآنی تأثیر پذیرفته است. شالوده اشعار بیضا از لحاظ محتوایی به سه دسته مدح بزرگان، آموزش و تعلیم، عشق و عرفان تقسیم‌بندی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیضا از چهره‌های ادبی سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری است و شناخت زندگی و آثار او می‌تواند در تبیین تاریخ ادبیات دوره قاجار و جریان بازگشت ادبی مؤثر باشد. مفقود بودن دیوان وی در دوره‌ای

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد Rahimi@gmail.com

^۲ دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد foroozandeh@sku.ac.ir

طولانی سبب گمنامی نسبی او شده و پژوهش‌های اندکی درباره زندگی و آثارش صورت گرفته است؛ بنابراین نگارنده این پژوهش را به رشته تحریر درآورده است.

واژه‌های کلیدی: بیضای جونقانی، بازگشت ادبی، جایگاه شعری، عشق، عرفان.

۱- مقدمه

میرزا محمد قاسم خان بیضا از ستارگان دانش در نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم و نیمه‌ی اول قرن چهاردهم هجری قمری است (احمدی، ۱۳۰۴: ۳۱۲). وی از ادبای معروف چهارمحال و بختیاری و مسکن وی شهر جونقان بوده است در اصفهان و چهارمحال به میرزا بیضا معروف بوده است (همان: ۳۱۳). به آن علت که دیوان بیضا مفقود شده و در دسترس نبود شاعری ناشناخته و گمنام مانده است. باید اذعان داشت که گمنامی جغرافیایی و فقدان امکانات ارتباطی گسترده در دوران حیات بیضا، سبب شد که شعر او، علی‌رغم برخورداری از ارزش‌های هنری و ادبی نسبی، آن‌گونه که شایسته بود در سطح ملی شناخته نشود. قدر هنری بیضا کمتر دانسته شد و نام او، جز در محافل محدود محلی، به گستره‌ی وسیع ادبیات رسمی فارسی راه نیافت اما همین علت‌ها ضرورت بازشناسی مجدد آثار باقی‌مانده‌اش را برجسته می‌کند. به همین علت که تحقیق و پژوهشی جامع در باب حیات ادبی و شرح احوال و اشعار بیضای جونقانی بسیار اندک است؛ بنابراین نگارنده این پژوهش را به رشته‌ی تحریر درآورده است.

مروری بر حیات ادبی و شرح احوال و اشعار بیضای جونقانی که در نهایت زندگی‌نامه و حیات ادبی، نام و نسب، شهرت و تخلص، زمان و مکان زندگی، خانواده و دوره‌ی حیات، اشعار، هدف، تأثیر از شاعران دیگر، جایگاه شعری و سبک برای خوانندگان و علاقه‌مندان به شعر و شاعری به‌ویژه حیات ادبی و شرح احوال و اشعار این شاعر مشخص شود؛ هدف اصلی نگارنده است.

در مورد پرسش‌های اصلی پژوهش:

۱- حیات ادبی و شرح احوال و اشعار بیضا، چگونه است؟

همچنین از جمله پرسش‌های فرعی پژوهش:

۱- نام، نسب، شهرت و تخلص شاعر چیست؟

۲- شاعر در چه زمان، مکان، خانواده و دوره‌ای می‌زیسته است؟

۳- اشعار بیضا در چه قالب‌هایی سروده شده است و چه تعداد ابیاتی از او بر جای مانده است؟

۴- شاعر، اشعارش را با چه هدفی سروده است؟

۵- بیضا، از چه شاعرانی تأثیر پذیرفته است؟

۶- بیضا در کدام یک از سبک‌های ادبیات فارسی جای می‌گیرد؟

۷- جایگاه شعری شاعر در سطح محلی و ملی چگونه است؟

در زمینه‌ی حیات ادبی و شرح احوال و اشعار بیضای جونقانی چندین تحقیق و بررسی و پیشینه موجود است:

- دستگردی در مقاله «طلوع آفتاب ادبیات از مشرق بلوک چهارمحال و بختیاری» (۱۳۹۹) که در مجله‌ی ارمغان چاپ شده است مطالب ارزنده‌ای در مورد شرح حال و جایگاه شعر بیضا در بین شاعران هم عصر خود دارد.

- احمدی بختیاری در مقاله «بیضای جونقانی» (۱۳۰۴) که در مجله‌ی ارمغان چاپ شده است به شرح و بررسی تذکره بیضای جونقانی و همچنین اشعار و سبک او پرداخته و مطالب ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران گذاشته است.

- نیکخواه در کتاب «دیوان بیضای جونقانی» (۱۳۹۲) اشاراتی به ویژگی‌های شعری بیضا کرده است ولیکن همت اصلی نگارنده بر جمع‌آوری دیوان بوده است.

- سلطانی در کتاب «زندگی نامه ی بیضای جونقانی» (۱۳۷۸) زندگینامه و ابیات شاعر را گردآوری کرده است.

-آلگونه در کتاب « شاعر شهر خاموش » (۱۳۹۲) غزل بیضا را تبارشناسی کرده است و بر روی غزل‌های شاعر، توضیح و شرح و تعلیقاتی دارد. اما این تحقیق گام اول در شناخت کامل حیات ادبی و شرح احوال و اشعار بیضاست، نگارنده به طور کامل به زندگی‌نامه و حیات ادبی، نام و نسب، شهرت و تخلص، زمان و مکان زندگی، خانواده و دوره‌ی حیات، اشعار، هدف، تأثیر از شاعران دیگر، جایگاه شعری و سبک شاعری شاعر پرداخته است.

در باب مواد و روش اجرا؛ در پژوهش حاضر نگارنده پس از مطالعه‌ی حیات ادبی و شرح احوال و اشعار بیضا آن‌ها از دیدگاه‌های گوناگون با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای به بررسی اثر پرداخته است. مبنای کار نویسنده منابع معتبر موجود در مورد شاعر بوده است که پس از مطالعه‌ی کامل کتاب‌های مرجع و منابع مورد نیاز و سپس فیش‌برداری از مطالب، آن‌ها را طبقه‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری کرده است.

۲- مروری بر حیات ادبی و شرح احوال و اشعار میرزا بیضای جوقنانی

۲-۱ زندگینامه

میرزا محمد قاسم خان بیضای جوقنانی، در سال ۱۲۵۰ ه.ق در روستای جوقنقان چشم به جهان گشود. آخرین فرزند محمد تقی سلطان بود که بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی در مکتب‌خانه‌های قدیم، به سن بلوغ رسید و به خدمت سربازی علاقه‌مند شد و داخل فوج چهارم‌حال عصر قاجار شد. در این دوره ریاست فوج چهارم‌حال به دست برادر بزرگ‌ترش رمضانعلی خان سرهنگ، واگذار شده بود، بیضا در لشکر به مهارت در تیراندازی، مشهور بود. بیضا به واسطه‌ی ورود به دنیای نظامی راه رسیدن به عالم شعر و شاعری برایش نمایان‌گر شد زیرا انجام خدمت سربازی و از مکانی به مکان دیگر رفتن و ملاقات اشخاص گوناگون، امیال شاعرانه‌اش را آشکار کرد. در ایام جوانی هنگامی که

در شهرهای شیراز و اصفهان و خوزستان مشغول خدمت سربازی بود در تمام محافل ادبی شرکت می‌کرده و با ادبا معاشرت داشته است. آرام آرام شعله‌ی شوق دامن گیرش شده و به مقام شاعری رسید و در غزل و مدح چیره‌دست شد، کم‌کم از مقام شاعری هم فراتر رفت و جویای طریقت و حقیقت می‌شود و به یکی از عرفای نعمت‌اللهی ارادت ورزیده و از این طریق به مسیر حقیقت می‌پیوندد. به سبب ورود به عالم عرفان از کارهای نظامی کنار می‌رود و به ناچار به دلیل حالات فقر و درویشی و سالکی، طریق سیر و سیاحت در بلاد مختلف را در پیش می‌گیرد و از اصفهان به تهران و بعد از مدتی به آذربایجان و تبریز مهاجرت می‌کند. بیضا در تبریز به واسطه‌ی محمد حسین خان سپهدار بختیاری به حضور مظفرالدین شاه که در آن زمان والی تبریز بود معرفی و مشمول لطف او می‌گردد و به او وعده‌ی تاج‌الشعرایی می‌دهد اما بخت با بیضا یار نبود و این اتفاق بعد از به تخت نشستن مظفرالدین شاه محقق نمی‌شود. بعد از مدتی اقامت در تبریز که زندگی‌اش در آن دیار خوب بود به علت غربت، دلتنگ و به زادگاه خودش بر می‌گردد. بیضا بعد از میل به تأهل وارد زندگی اجتماعی شد و قسمت آخر زندگی‌اش را در جونتقان مقیم و به وسیله‌ی زراعت زندگی‌اش را می‌گذراند و با شاعران معاصر هم‌ولایتی‌اش همچون عمان سامانی، دهقان سامانی و دفتری بروجنی معاشر و مصاحب بوده است. «بیضا شخصی متوسط‌القامه، لاغراندام و سیه چهره و در عین حال با هوش و ذکاوت بوده که به زبان‌های ترکی و لری نیز مسلط و نقل است که تمام دیوان سعدی را نیز از بر بوده است» (احمدی، ۱۳۰۴: ۳۲۴). سرانجام اواخر عمرش به مسکرات روی می‌آورد که شاید دلیل گمنامی وی نیز همین است و در سال ۱۳۱۰ ه.ق در سن ۶۰ سالگی دار فانی را وداع می‌گوید. «بدین‌سان که بیضا در ابتدا در کسوت سربازی، شکارگری ماهر بود بنا به قولی به واسطه‌ی اعتیاد مفرطش به مسکرات عاقبت از پای در می‌آید و به فقر و اختلال هواس مبتلا می‌شود و معلوم نمی‌شود عاقبت کارش به کجا می‌رسد» (همایی، ۱۳۴۲: ۲۴۵). سنگ قبرش نیز در شهر جونتقان در مسجد زینب کبری در دسترس است.

۲-۲ خانواده بیضا

در باب خانواده‌ی بیضا، میرزا محمد قاسم خان یکی از چهار پسر محمد تقی سلطان جونقانی بوده است و محمد قاسم فرزند کوچک محمد تقی سلطان است که پدرش جزو لشکر ناصری بود که بعدها پیشرفت می‌کند و کدخدای شهر جونقان می‌شود. سه تن از برادران بیضا نیز در ارتش دوران قاجار مشغول خدمت بودند که برادر بزرگش در جنگ با قوای روسیه تزاری کشته می‌شود و مادرش هم از خاندان با تقوای معین‌التجار بهبان بود. بی‌شک رشد و تربیت در این خانواده‌ی پرنفوذ در منطقه، در شکوفایی ذوق و استعدادش در شعر و شاعری بی‌تاثیر نبوده است.

۲-۳ نام و نسب

در مورد نام و نسب این شاعر، بیضا مدت زیادی شاعری گمنام و ناشناخته بوده است، از این روی همگان فقط با همین نام بیضا او را می‌شناختند اما بعد از تحقیقات فراوان، محققان اهل ذوق، نام و نسب کامل وی را نیز یافتند. قبل از هر چیز می‌توان نام او را از خود او پرسید و فهمید که چه نام دارد، این شاعر در یک رباعی نام خود را «قاسم» معرفی می‌کند:

بیضا که به فن شعر آمد کامل از پرتو لطف کاملان باذل
نامش باشد چهار حرف و نیمش قاتل بود و نیمش قاتل
(دیوان بیضا، ۱۳۹۲: ۴۳۹)

منظور از چهار حرف (قاسم) است، نیمی از آن چهار حرف، که قاتل است (سم) است و مراد از نیم‌قاتل (قا) است پس نیم‌قاتل که (قا) باشد و قاتل که (سم) باشد روی هم-رفته می‌شود «قاسم»، پس از ترکیب (قا) که نیمی از لفظ قاتل است و (سم) که کشنده و قاتل است نام قاسم به‌دست می‌آید. بنابراین «میرزا قاسم خان» (سلطانی، ۱۳۷۸: ۹) یا «میرزا قاسم خان بیضا» (نیکخواه، ۱۳۹۲: ۴۳) یا به‌طور صحیح‌تر و کامل‌تر «میرزا محمد قاسم خان» نام درست و کامل این شاعر است. این شاعر خود را در قید و بند نژاد، نام، حسب و نسب نمی‌داند و خود را «بنده‌ی عشق» (آلگونه، ۱۳۹۸: ۵) معرفی می‌کند:

شاه وقت خودم و بنده‌ی شاهنشاه عشق به تو لای تو آنم نسب اینم حسب است
(همان: ۳۴۵)

بنابراین برای شناخت یک شاعر باید نام وی را در اولین مرحله دانست و همان‌طور که بیان شد نام وی «میرزا محمد قاسم خان» است.

۲-۴ زمان و دوره‌ی زندگی

در مورد زمان و دوره‌ی زندگی میرزا محمد قاسم خان، یکی از شاعران «قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ ه.ق» (احمدی، ۱۳۰۴: ۳۱۲) و به طور صحیح‌تر و دقیق‌تر درست زمانی که فتحعلی شاه قاجار از دنیا رفته بود در سال «۱۲۵۰ ه.ق» (آلگونه، ۱۳۹۸: ۵) برابر با ۱۲۱۳ ه.ش و ۱۸۳۴ م چشم به جهان گشوده است پس زمان تولد وی در سال ۱۲۱۳ شمسی در عصر قاجار می باشد.

۲-۵ مکان زندگی شاعر

در باب مکان زندگی شاعر، میرزا محمد قاسم خان بیضای جونقانی، از شاعران و ادیبان معروف چهارمحال و بختیاری، متولد و بزرگ شده‌ی شهر «جونقان» (همایی، ۱۳۴۳: ۷۸) است. جونقان عصر بیضا، روستایی از نواحی چهارمحال و بختیاری در ناحیه‌ی میزدج بوده است که خود در شعری به این موضوع نیز اشاره دارد:

خواهی ار دانی محال اربعه باشد کجا / هست آن لار و کیار و میزدج با گندمان
سرزمین بختیاری و محال اربعه / بیش از این گویندگانی داشت و دارد این زمان

مرکز شعر و سخنرانی و دانش بوده است / قهفرخ، سامان، بروجن شهرکرد و جونقان
(سلطانی، ۱۳۷۸: ۳)

اما در حال حاضر جونقان، شهری است در شهرستان فارسان در استان چهارمحال و بختیاری که در ۴۲ کیلومتری مرکز استان واقع شده است. مردمانی ترک‌تبار با زبان ترکی قشقایی که حدود ۲۰ هزار نفر نیز جمعیت دارد. لازم به ذکر است که به پاس

شاعری این شاعر و به لطف خیر و برکت بیضا، هم‌اکنون انجمن ادبی بیضا در این شهر دایر است و هر ساله در این شهر مراسمی برای بزرگداشت این شاعر برگزار می‌شود.

۲-۶ شهرت

در باب شهرت وی، روزگاری که شاعر در آن می‌زیسته از آن جایی که چهارمحال جزو توابع اصفهان شناخته می‌شد گاهی به «بیضای اصفهانی» (دیوان بیگی، ۱۳۶۴: ۳۰۱) شهرت داشت. همچنین به «بیضای چهارمحالی» (همایی، ۱۳۶۷: ۳۶۱) و «بیضای جونقانی» (عبرت نایینی، ۱۳۷۶: ۴۸۰) نیز شهره بود. در ناحیه‌ی چهارمحال و بختیاری و استان اصفهان به «میرزا بیضا» (احمدی، ۱۳۰۴: ۳۱۳) مشهور بود. اما امروزه به بیضای جونقانی یا درست‌تر میرزا بیضای جونقانی مشهور است که این شهرت چه‌بسا درست‌تر و صحیح‌تر نیز هست.

۲-۷ تخلص

در مورد تخلص بیضا، میرزا محمد قاسم خان نام او، تخلصش هم «بیضا» (همایی، ۱۳۴۳: ۷۸) است، البته باید خاطر نشان شد که «تخلص او بیضا و لقبش ضیاءالدین» (عبرت نایینی، ۱۳۷۶: ۴۸۰) می‌باشد. در شعرش هر دو تخلص دیده می‌شود اما تخلص عمده‌ی او همان بیضا است. شاید بتوان گفت که درست است که تخلص او در آغاز بیضا بوده است اما با گذر زمان تخلص ضیاءالدین را انتخاب کرده است، شعرهایی که به گمان خود شاعر، دوران کمال و بزرگی اوست، ولی به راحتی نمی‌توان آن را مانند تخلص بیضا در شعر به کار بست. بنابراین تخلص عمده‌ی وی بیضا است که گاهی این تخلص ضیاءالدین نیز می‌شود که اگر قرار باشد یک تخلص عمده داشته باشد بی‌شک بیضا است و ضیاءالدین لقبش به حساب می‌آید.

۲-۸ اشعار بیضا

در باب اشعار بیضا، بخش اصلی دیوان بیضا شامل غزل‌ها و قصاید است هر چند با قالب‌هایی دیگر همانند مثنوی و رباعی نیز طبع آزمایی کرده است که امروزه این دیوان

با نام دیوان بیضای جونقانی در دسترس است که توسط نیکخواه گردآوری شده است که شامل ۳۳۶۷ بیت شعر است اما اصل دیوان او قریب به «نه یا ده هزار بیت» (احمدی، ۱۳۰۴: ۳۲۵) بود که مفقود شده است. بیضا بیشتر شاعری قصیده‌سرا است اما غزل‌های زیبایی نیز در کارنامه دارد.

در این باره نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که تعداد اشعار اصلی بیضا چندین برابر بیشتر از این آمار است اما چیزی که در دست است و گردآوری شده است همین تعداد اشعار است که خود جای لطف دارد.

بنابراین قصیده و غزل در آثار بیضا بیشتر و در قصیده پیرو خاقانی، سنایی، معزی و قانانی و در غزل پیرو سعدی، حافظ و فروغی بسطامی است و در این قالب‌ها چیره‌دست‌تر می‌باشد و همان‌طور که اشاره شد به موضوعات تعلیمی در کنار موضوعات غنایی پرداخته است.

بن‌مایه و شالوده‌ی اشعار بیضا از لحاظ محتوایی، به سه دسته‌ی مدح بزرگان، آموزش و تعلیم، عشق و عرفان تقسیم‌بندی شده است.

برای نمونه اشعار مدحی:

تا جهان جهان به پا باشد	شاه مسعود را بقا باشد
ضل سلطان یمین دولت و دین	که میهن پور پادشا باشد

(دیوان بیضا، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

برای نمونه اشعار آموزش و تعلیم:

گر خیر هر دو گیتی، خواهی، بکوش در خیر	کز عمر خیر دیدند، در کار خیرکوشان
---------------------------------------	-----------------------------------

(همان: ۳۹۷)

روزها باده مکش، باده کشی کار شب است	ای پسر حرف شنو حرف شنیدن ادب است
-------------------------------------	----------------------------------

(همان: ۳۴۵)

به سان مور ذخیره کن پی فردا	که روزی نو و روز نوت خداداد است
-----------------------------	---------------------------------

(همان: ۳۴۹)

برای نمونه عشق و عرفان:

سلطنت و مسکنت، در بر عارف یکی است خسرو و درویش را داعیه اینجا خطاست
(همان: ۳۴۷)

تأحرّف عشقمان نشود محو از نظر ریگی نهاده عشقِ نیکویان به گوش ما
ما پادشه کشور فقیریم و آسمان بر سر نمونه‌ای ست ز خرگاه و پوش ما
ما لابلای ایم ولیکن چو بنگری قیصر بود به منزلت ژنده پوش ما
(همان: ۳۴۲)

۲-۹ هدف شاعر

بیضای جونقانی از جمله شاعرانی است که اهداف و انگیزه‌های شعری او در سه محور قابل تحلیل است: بیان احساسات فردی، پاسداشت سنت‌های ادبی و انعکاس اندیشه‌های عرفانی. نخست در بعد عاطفی، سروده‌های او آینه‌ی تمام‌نمای لطافت احساسات انسانی، عشق‌های زمینی و آسمانی و زیبایی‌های طبیعت و انسان است. غزل‌های بیضا سرشار از شور عاشقانه و تمنای وصال است، عشقی که با گذر زمان، رنگ و بویی عرفانی به خود می‌گیرد و شاعر را از دلبستگی‌های ظاهری به ساحت‌های والا تر می‌کشاند.

در بعد دوم، بیضا خود را ادامه‌دهنده‌ی راه بزرگان شعر فارسی می‌داند و شاعری از تبار شاعران بازگشت ادبی است که در پی احیای زبان فاخر و هنر اصیل شاعر است. بیضا با الهام از سبک و سیاق شاعرانی چون سعدی، حافظ، قآنی و فروغی بسطامی، می‌کوشد اصول موسیقایی، بلاغی و زبان سنتی فارسی در اشعارش زنده نگه دارد و از این رهگذر سهمی در تداوم ادبیات کلاسیک فارسی ایفا کند.

سومین محور در شعر بیضا، تجلی اندیشه‌های عشق و عرفان است. وی پس از آشنایی با مشایخ نعمت‌الهی، به سوی حقیقت‌جویی و تأملات درونی گرایش می‌یابد. این سیر عرفانی در اشعار او به صورت درون‌نگری، پرسش از هستی، طلب حقیقت و تمایل به

رهایی روحانی نمود می‌یابد و شعرش را از سطح تجربه‌ی صرفاً ادبی به مرتبه‌ی تأملات معنوی ارتقا می‌دهد.

بر این اساس می‌توان گفت هدف اصلی بیضا، آفرینش هنری مبتنی بر عاطفه و اندیشه، احیای ارزش‌های ادبی کلاسیک و جست‌وجوی معنوی در بستر شعر است؛ اهدافی که به آثار او هویتی متمایز در میان شاعران هم عصرش بخشیده است.

۱۰ - تاثیر از شاعران دیگر

میرزا محمد قاسم خان بیضای جوتقانی، در سرایش اشعار خود پیوندی عمیق و معنادار با سنت‌های ادبی فارسی برقرار کرده است؛ پیوندی که در سراسر آثار وی به وضوح قابل مشاهده است. شعر بیضا در عین برخورداری از طراوت ذوق فردی، ریشه در میراث پر بار شعرای برجسته‌ی ادب فارسی دارد و این تأثیرپذیری را در سه محور اصلی غزل، قصیده و کلیت سبک شعری او مشاهده می‌کنیم.

در عرصه‌ی غزل‌سرایی، بیضا به‌طور چشمگیری از حافظ و سعدی الهام گرفته است. از حافظ، روح آزادگی، شور عاشقانه، رمز پردازی‌های هنری و گرایش به رازآمیزی کلام را اخذ کرده و از سعدی، سلاست بیان، حکمت عملی و ایجاز هنرمندانه را به میراث برده است. این تأثیرات باعث شده است که غزل‌های بیضا از ظرافتی ویژه، موسیقی درونی دلنشین و بیانی روان برخوردار باشد.

در قصیده، بیضا با نگاهی ژرف به آثار سنایی غزنوی، معزی نیشابوری و به ویژه خاقانی شروانی، به سوی بیانی فاخر، آرایه‌مند و پرمایه گرایش یافته است. بهره‌گیری آگاهانه از صنایع ادبی، توجه به مضامین دینی و اخلاقی، و استفاده از واژگان کهن و متین، شاخصه‌های آشکار این تأثیرپذیری به شمار می‌روند.

بیضا همچنین در پیوند با جریان بازگشت ادبی، از سرمشق‌های معتبر آن عصر، به ویژه قانای شیرازی و فروغی بسطامی، الهام گرفته است. از قانای، استواری لفظی، دقت در

ساختار زبانی و بلاغت استوار و از فروغی، لطافت تغزل، نازک‌خیالی و تمایل به مضامین عاشقانه و عرفانی را به خوبی فرا گرفته است.

بنابراین تاثیر پذیرفتن بیضا از این شاعران و به‌خصوص در قصیده از خاقانی و در غزل از سعدی و حافظ بی‌شک غیرقابل انکار است، شاعر، در اشعاری به این نکته اشاره دارد:

قائنی، زمدح او خاقانی شده بلی انوری است و فرخی، عنصری است و عسجدی
بیضا گر به لطف او گشت ضیاءدین چه غم باش که در غزل شود جواجه و شیخ و اوحدی
(همان: ۲۵۶)

بیضای اصفاهانی‌ام در طبع چون خاقانی‌ام زنده کن قائنی‌ام بل شاعران تذکره
(همان: ۲۴۰)

خاقانی و من هم زبان در مدح شاه اخستان من جای این شه جای آن درهای بیضا ریخته
(همان: ۲۴۵)

برای نمونه بیضا این مضمون را از حافظ وام گرفته است:
حافظ:

چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی است نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود
(حافظ، ۱۳۲۰: ۱۴۱)

بیضا:

میان کعبه و بتخانه فرقی است گر کوشی به تقوی و طهارت
(دیوان بیضا، ۱۳۹۲: ۳۴۴)

یا مضمون زیر را که از سعدی گرفته است، شیخ می‌فرماید:

من خود این سنگ به جان می‌طلبم همه عمر کاین قفس بشکند و مرغ به پرواز آید
(سعدی، ۱۳۲۰: ۱۵۳)

بیضا:

به سان مرغ گرفتار، روز و شب خواهم ز دست حادثه سنگی، که بشکنم قفسی

(دیوان بیضا، ۱۳۹۲: ۴۰۸)

با این همه، تأثیرپذیری بیضا از شاعران پیشین هرگز به مرز تقلید نرسیده، بلکه همواره رنگ تجربه‌ی فردی و ذوق شخصی او را با خود داشته است. وی در پرتو این تأثیرات، توانسته است سنت‌های دیرینه‌ی شعر فارسی را با بینش تازه و نگاه فردی خود پیوند زند و بدین ترتیب، هویتی مستقل و اصیل بر آثارش رقم زند.

۱۱- بیضا و بازگشت ادبی

بیضای جوقنقانی از جمله شاعرانی است که جایگاه او را به درستی می‌توان امتداد جریان بازگشت ادبی تحلیل کرد؛ حرکتی که در اواخر دوره‌ی صفویه و در عصر قاجار، در واکنش به ضعف و ابتذال زبان شعری متداول، با هدف احیای شکوه زبان و ادب کلاسیک فارسی پدید آمد.

بیضا، تربیت یافته‌ی مکتب ادبی اصفهان، با شناخت ژرف از سنت‌های پیشین، در اشعار خود بر بازسازی عناصر اصیل فارسی، تقویت قالب‌های کلاسیک و احیای مضامین کهن اهتمام ورزید. آثار او به‌ویژه در قصیده و غزل، با استواری وزنی، دقت در انتخاب واژگان، غنای صنایع بدیعی و انسجام ساختاری، نمونه‌ای روشن از تحقق اهداف مکتب بازگشت در شعر این دوره به شمار می‌رود.

از ویژگی‌های برجسته‌ی سبک بیضا در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- التزام به اصول عروضی و رعایت قافیه و ردیف به شیوه‌ی سنتی؛
- گزینش واژگان فاخر و پرهیز از زبان سطحی و عامیانه؛
- توجه ویژه به مضامین اخلاقی، دینی و عرفانی در چارچوب اندیشه‌های کلاسیک؛
- کاربرد استادانه‌ی آرایه‌های ادبی چون تشبیه، استعاره، مراعات نظیر و تکرار؛
- حفظ سادگی و صلابت زبان خراسانی در عین بهره‌گیری از فخامت سبک عراقی.

بیضا با بهره‌گیری از این عناصر نه تنها توانست از آسیب‌های رایج شعری متأخر در امان بماند، بلکه با ترکیب خلاقانه‌ی سنت و ذوق فردی، شعری آفرید که ضمن وفاداری به معیارهای کهن، از روح تازگی و طراوتی ویژه نیز برخوردار است. او با

تأکید بر ارزش‌های ادبی اصیل، اثبات کرد که بازگشت به سنت، اگر با نبوغ و احساس شخصی همراه شود، نه بازدارنده بلکه پیش‌برنده‌ی شعر نیز هست.

۱۲- جایگاه شعری او

میرزا محمد قاسم خان بیضای جوقنقانی را باید در زمره‌ی شاعرانی دانست که با بهره‌گیری از سنت‌های کهن و ذوق فردی خویش، جایگاهی ویژه در شعر فارسی عصر خویش به دست آورده است. بیضا با تکیه بر آموزه‌های مکتب بازگشت ادبی و با احاطه بر میراث عظیم شعر کلاسیک، موفق شد شعری بیافریند که در عین وفاداری به اصول گذشته، از تازگی و طراوت برخوردار باشد.

بیضا در زمینه‌ی غزل‌سرایی، با الهام از شیوه‌ی حافظ و سعدی، به خلق آثاری دست یافته که شور عشق، لطافت احساس و موسیقی دلنشین در آن‌ها موج می‌زند. سلاست بیان، اعتدال در استفاده از صنایع ادبی و پرهیز از افراط در آرایه‌آفرینی، از ویژگی‌های بارز غزل‌های اوست.

در حوزه‌ی قصیده‌سرایی نیز بیضا با تأسی از شاعرانی چون خاقانی و قآنی، قصایدی پرمایه و استوار آفریده که در آن‌ها هم به مضامین دینی و اخلاقی پرداخته شده و هم زیبایی‌های لفظی و بلاغی با هنرمندی خاصی درهم تنیده شده است. او با رعایت دقیق وزن و قافیه و توجه به آرایش زبانی، توانسته است قصیده را به عنوان قالبی فاخر و پر جلوه در آثار خود احیا کند.

از سوی دیگر، حضور بیضا در فضای ادبی دوران خویش، نشان‌دهنده‌ی تعلق خاطر او به ارزش‌های فرهنگی و ادبی سرزمینش است. اشعار او گواهی است بر تعلق به هویت ملی، پاسداشت زبان فارسی و حفظ سنت‌های ادبی کهن در میان شاعران هم‌عصر خود، بیضا به واسطه‌ی تسلط بر زبان، آشنایی با سبک‌های پیشین و ذوق سرشار، جایگاهی شاخص و ارجمند یافته است.

بیضا نه تنها در گستره‌ی ادبیات فارسی، بلکه در حوزه‌ی شعر محلی چهارمحال و بختیاری نیز نقشی ممتاز ایفا کرده است. شهر جوقنقان که زادگاه اوست، با وجود

سابقه‌ی فرهنگی و ادبی، پیش از بیضا چهره‌ای در این حد درخشان به خود ندیده بود. بیضا توانست با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، در کنار وفاداری به سبک کلاسیک فارسی، شعری بیافریند که زبان گویای احساسات، باورها و فرهنگ مردم منطقه‌ی خویش نیز باشد. از این رو، او در میان شاعران محلی چهارمحال، جایگاهی ممتاز و الگویی برجسته برای شاعران پس از خود به شمار می‌رود.

آثار بیضا الهام‌بخش بسیاری از شاعران محلی گردید و سبک و شیوه‌ی او، در شکل‌گیری سنت‌های شعری چهارمحال در دوره‌های بعدی، اثری عمیق و پایدار بر جای گذاشت.

با این همه، باید اذعان داشت که گمنامی جغرافیایی و فقدان امکانات ارتباطی گسترده در دوران حیات بیضا، سبب شد که شعر او، علی‌رغم برخورداری از ارزش‌های هنری و ادبی چشمگیر، آن‌گونه که شایسته بود در سطح ملی شناخته نشود. قدر هنری بیضا کمتر دانسته شد و نام او، جز در محافل محدود محلی، به گستره‌ی وسیع ادبیات رسمی فارسی راه نیافت.

در مجموع، بیضا را باید شاعری دانست که با ترکیب هنر سنتی با ذوق فردی، توفیق در احیای سبک‌های کهن و پایبندی به اصول زیبایی‌شناسی کلاسیک، سهمی قابل توجه در تداوم شعر فارسی بر عهده داشته است. آثار او، آینه‌ای از پیوند میان سنت و نبوغ فردی است؛ پیوندی که به شعرش حیات و پایداری بخشیده و نام او را، هرچند در سایه‌ی گمنامی، در تاریخ ادبیات فارسی و شعر محلی چهارمحال ماندگار ساخته است.

۱۳- نتیجه‌گیری

میرزا محمد قاسم‌خان، یکی از چهار پسر محمدتقی‌سلطان جوقنقانی در خانواده‌ای پرنفوذ در سال ۱۲۱۳ شمسی در شهر جوقنقان چشم به جهان گشود. تخلص او بیضا و لقبش ضیاءالدین می‌باشد. اشعار شاعر شامل ۳۳۶۷ بیت شعر است اما اصل دیوان او قریب به نه یا ده هزار بیت بود که مفقود شده است. بیضا بیشتر شاعری قصیده‌سرا است اما غزل‌های زیبایی نیز در کارنامه دارد که مورد بررسی قرار گرفته است. اهداف

و انگیزه‌های شعری او شامل بیان احساسات فردی، پاسداشت سنت‌های ادبی و انعکاس اندیشه‌های عرفانی می‌باشد. در عرصه ی غزل‌سرایی، بیضا به‌طور چشمگیری از حافظ و سعدی الهام گرفته است. از حافظ، روح آزادگی، شور عاشقانه، رمزپردازی‌های هنری و گرایش به رازآمیزی کلام را اخذ کرده و از سعدی، سلاست بیان، حکمت عملی و ایجاز هنرمندانه را به میراث برده است. این تأثیرات باعث شده است که غزل‌های بیضا از ظرافتی ویژه، موسیقی درونی دلنشین و بیانی روان برخوردار باشد. در قصیده، بیضا با نگاهی ژرف به آثار سنایی غزنوی، معزی نیشابوری و به ویژه خاقانی شروانی، به سوی بیانی فاخر، آرایه‌مند و پرمایه گرایش یافته است. بهره‌گیری آگاهانه از صنایع ادبی، توجه به مضامین دینی و اخلاقی، و استفاده از واژگان کهن و متین، شاخصه‌های آشکار این تأثیرپذیری به شمار می‌روند.

بیضا همچنین در پیوند با جریان بازگشت ادبی، از سرمشق‌های معتبر آن عصر، به ویژه قآنی شیرازی و فروغی بسطامی، الهام گرفته است. از قآنی، استواری لفظی، دقت در ساختار زبانی و بلاغت استوار و از فروغی، لطافت تغزل، نازک‌خیالی و تمایل به مضامین عاشقانه و عرفانی را به خوبی فرا گرفته است. بیضای جوتقانی از جمله شاعرانی است که جایگاه او را به درستی می‌توان امتداد جریان بازگشت ادبی تحلیل کرد؛ حرکتی که در اواخر دوره ی صفویه و در عصر قاجار، در واکنش به ضعف و ابتذال زبان شعری متداول، با هدف احیای شکوه زبان و ادب کلاسیک فارسی پدید آمد. بیضا، تربیت یافته ی مکتب ادبی اصفهان، با شناخت ژرف از سنت‌های پیشین، در اشعار خود بر بازسازی عناصر اصیل فارسی، تقویت قالب‌های کلاسیک و احیای مضامین کهن اهتمام ورزید. آثار او به‌ویژه در قصیده و غزل، استواری نسبی وزنی، دقت در انتخاب واژگان، غنای صنایع بدیعی و انسجام ساختاری، نمونه‌ای روشن از تحقق اهداف مکتب بازگشت در شعر این دوره به شمار می‌رود.

با این همه، باید اذعان داشت که گمنامی جغرافیایی و فقدان امکانات ارتباطی گسترده در دوران حیات بیضا، سبب شد که شعر او، علی‌رغم برخورداری از ارزش‌های هنری و ادبی چشمگیر، آن‌گونه که شایسته بود در سطح ملی شناخته نشود. قدر هنری بیضا کمتر دانسته شد و نام او، جز در محافل محدود محلی، به گستره‌ی وسیع ادبیات رسمی فارسی راه نیافت. در مجموع، بیضا را باید شاعری دانست که با ترکیب هنر سنتی با ذوق فردی، توفیق در احیای سبک‌های کهن و پابندی به اصول زیبایی‌شناسی کلاسیک، سهمی قابل توجه در تداوم شعر فارسی بر عهده داشته است. آثار او، آینه‌ای از پیوند میان سنت و نبوغ فردی است؛ پیوندی که به شعرش حیات و پایداری بخشیده و نام او را، هرچند در سایه‌ی گمنامی، در تاریخ ادبیات فارسی و شعر محلی چهارمحال ماندگار ساخته است.

منابع

- آگونه، مسعود. (۱۳۹۸). شاعر شهر خاموش. سامان: سامان دانش.
- احمدی بختیاری، عبدالحسین. (۱۳۰۴). «بیضای جوتقانی». مجله‌ی ارمغان، دوره‌ی ۶، شماره ۵ و ۶، صص ۳۱۲-۳۲۶. (<https://www.ensani.ir/fa/article/۲۶۹۵۹۴>)
- بیضای جوتقانی، میرزا محمد قاسم خان. (۱۳۹۲). دیوان بیضای جوتقانی. تصحیح و تعلیقات دکتر مظاهر نیکخواه. شهرکرد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سلطانی، شهناز. (۱۳۷۸). زندگینامه‌ی شاعر عارف میرزا قاسم خان بیضای جوتقانی. اصفهان: انتشارات گلبهار.
- دیوان بیگی، احمد. (۱۳۶۴-۱۳۶۶). حدیقه الشعرا. تهران: نشر زرین.
- رحیمی جوتقانی، مجید/ فروزنده مسعود، (۱۴۰۴)، بررسی ویژگی‌های سبکی اشعار بیضای جوتقانی، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد: شهرکرد، ایران.
- عبرت نائینی، محمدعلی. (۱۳۷۶). تذکره مدینه الادب. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- فروغی، محمدعلی. (۱۳۲۰). کلیات سعدی. تهران: چاپ بروخیم.
- قزوینی، محمد. (۱۳۲۰). دیوان حافظ. تهران: نشر زوار.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۸۱). فنون و صناعات ادبی. تهران: نشر توس.